

## دکتر مارو ویلسون، انبیا، جلسه ۲۸، اشعیا، گزیده آیات ۳

مارو ویلسون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر مارو ویلسون در حال تدریس در مورد پیامبران است. این جلسه ۲۸، گزیده‌های اشعیا، بخش ۳ است.

بسیار خوب، من می‌خواهم دعا کنم و شروع کنیم.

ما این هفته را با نیاز به کمک تو، پدرمان، آغاز می‌کنیم. همه ما دانشجو هستیم، همه ما به دنبال حکمت هستیم، همه ما به دنبال شناخت اراده تو هستیم. ما اعتراف می‌کنیم که بیشتر اوقات از سوء هاضمه الهیاتی رنج می‌بریم. ما خیلی بیشتر از آنچه عمل می‌کنیم، می‌دانیم.

ما بیش از آنچه در تجربه‌هایمان به کار گرفته‌ایم، مطالعه و آموخته‌ایم. در واقع، به ما کمک کنید تا مفاهیم عملی چیزهایی را که امروز در تمام کلاس‌هایمان خواهیم شنید، استخراج کنیم. از شما سپاسگزاریم که کلامتان همچون صخره استوار است.

تصویر کتاب مقدس این است که وقتی هر چیز دیگری پژمرده می‌شود، آنجاست. همانطور که پیامبر خوب ما، اشعیا، به ما یادآوری می‌کند، گل پژمرده و پژمرده می‌شود، اما کلام خدا جاودانه است. و بنابراین ما دعا می‌کنیم که کتاب مقدس را طوری بخوانیم که گویی، در واقع، زندگی ما به آن بستگی دارد.

سپاسگزارم که تو لنگر زندگی ما هستی. وقتی همه چیز در اطراف ما از هم می‌پاشد، می‌توانیم به حضور تو تکیه کنیم. باشد که این حقیقت امروز ما را حفظ کند، از طریق مسیح، پروردگارمان، دعا می‌کنم. آمین.

بسیار خوب، شما باید در مطالعه اشعیا ۱-۲۷ پیشرفت کنید. فراموش نکنید، ۲۰ دقیقه در آن روز، هر روز ارزش بسیار بیشتری از شب زنده‌داری ۱۳ روز بعد دارد.

آیا این منطقی است؟ شما می‌توانید همان مقدار زمان را جمع‌آوری کنید، اما مقداری از آن از دست خواهد رفت. مطالعه برای امتحان کتاب مقدس انگلیسی مانند یادگیری یک زبان خارجی است. متخصصان می‌گویند اگر چندین بار در فواصل کوتاه‌تر مطالعه کنید، چیزهای بیشتری یاد می‌گیرید تا اینکه همه چیز را در یک دوره زمانی طولانی فشرده کنید.

تکرار، مادر یادگیری است. اگر برگردید و چند بار به نکات توجه کنید، مفید خواهد بود. می‌خواهم با هم چند بخش منتخب را مرور کنیم.

ما این کار را شروع کرده‌ایم. دفعه‌ی پیش که در فصل اول بودم، در مورد این قوم سرکش صحبت کردیم. اشعیا یک قوم سرکش است.

بدیهی است که دغدغه اصلی اشعیا یهودا است. او کیفرخواست خود را که گفتم از بسیاری جهات شبیه به ریو است، ارائه کرده است. این اختلاف، دعوی قضایی، پرونده‌ای است که خداوند در فصل ۶ میکاه مطرح کرده است، و تپه‌ها شاهد سخنان دادستان هستند، که خداوند از طریق واسطه‌اش، سخنگوی او، میکاه است.

آخرین چیزی که در موردش صحبت کردم، دوباره موازی با میکاه ۶ بود. میکاه ۶ بر اساس سخنان اشعیا بنا شده است. او به اوج خود می‌رسد و این سوال را مطرح می‌کند که خداوند چه چیزی را از او می‌خواهد. قوم خودش فکر می‌کردند که تأکید بر دینداری ظاهری است.

خیلی مهم است که این را دقیق توضیح دهید، چون این همان چیزی است که عیسی به آن می‌پردازد. او نمی‌خواهد به آداب و رسوم، تشریفات و قوانین چیزی اضافه کند، بلکه می‌خواهد به نگرش درونی، به معنای واقعی معنویت، که برای عیسی از درون شروع می‌شود و به بیرون گسترش می‌یابد، بپردازد. او نه تنها این را به شیوه‌ای شخصی آموزش می‌دهد، بلکه بدیهی است که ما نیز پادشاهی خدا را اینگونه درک می‌کنیم.

پادشاهی خدا در میان شماست، اما پادشاهی من از این دنیا نیست. این پادشاهی که عیسی ارائه می‌داد، یک کودتای تبلیغاتی نبود که بگوید روم را بیرون کنید، داوود مغان را در اورشلیم مستقر کنید، و ما قرار است تمام ملل دیگر جهان را بیرون کنیم و سلطنت و حکومت خود را برقرار کنیم. نه، این بیشتر در مورد ملکوت هاشماییم، پادشاهی خدا در قلب، در قلب تسلیم سلطنت و حکومت خدا بودن، و از جنبه درونی چیزها شروع می‌شود.

آنچه عیسی تعلیم داد، در واقع همان چیزی بود که پیامبران تعلیم دادند. اگرچه در اینجا کیفرخواست تندی وجود دارد که در آن قوم خود اشعیا به مردم سدوم و عموره تشبیه شده‌اند (آیه ۱۰)، اما او سپس به این مضمون آیینی، قربانی و مناسک بازمی‌گردد و می‌گوید، قربانی‌های شما، قربانی‌های سوختنی شما، خون گاوها و بزها برای من چه هستند؟ باز هم، به نظر می‌رسد که این با کتاب مقدس و با کاهنان متناقض است. او می‌گوید، از آوردن این هدایای بیهوده دست بردارید (آیه ۱۳).

متوجه می‌شوید که ترجمه کلمه غرور یا بیهوده به صورت بی‌معنی آمده است. این NIV خیلی اوقات، در کلمه این ایده پوچی را دارد. آنها توخالی هستند.

آنها واقعی نیستند. ممکن است در ظاهر، اعمال و رفتارشان را انجام دهید، اما در باطن، واقعیت وجود ندارد. بخور شما نفرت‌انگیز است.

او به این موضوع برمی‌گردد، ماه نو، که در کدام پیامبر دیدیم؟ یادتان هست که عاموس بود. او درباره ماه‌های نو صحبت کرد. یادتان هست ماهی یک بار ماه نو وجود دارد.

با آن مثل یک روز شنبه رفتار کنید. هیچ کاری انجام نمی‌شد. بنابراین، در واقع، در اسرائیل باستان، شما یک شنبه هفتگی داشتید، به علاوه، تقریباً هر 28 روز، در تقویم، وقتی ماه نو داشتید، یک روز تعطیل دیگر هم داشتید.

حالا اگر امشب به زیر آسمان نگاه کنید، ماه کامل را خواهید دید. چرا؟ امشب در تقویم یهودی چه روزی است؟ عید فصح. و عید فصح در چهاردهم ماه نیشان است.

زیر ماه کامل. دو تا از سه عید زیارتی اجباری اسرائیل، یعنی عید فصح، و سپس در پاییز، سوکوت، خیمه‌ها یا غرفه‌ها، که آنها هم زیر ماه کامل برگزار می‌شدند. و دلیلی برای این کار وجود داشت.

بسیاری از آنها به عنوان زائر از مسافت‌های بسیار دوری می‌آمدند و با روشن‌تر و روشن‌تر شدن ماه احتمالاً برخی از این افراد مجبور بودند بخشی از سفر خود را در تاریکی انجام دهند. این جشنواره زیر نور ماه کامل برگزار می‌شد. بنابراین در اینجا، او به نوعی تمام این جشنواره‌های مورد نیاز را به تصویر می‌کشد.

عید فصیح، جشن شاووعوت، جشن سوکوت. ماه‌های نو. او می‌گوید از این چیزها متنفرم.

، آنها برای من باری سنگین هستند. شما می‌توانید مانند سلیمان در مراسم افتتاح معبد، اول پادشاهان ۸، باشید و با دستانی که به سمت آسمان بلند شده‌اند، در برابر قادر مطلق دعا کنید. در کتاب مقدس، جاهای زیادی در مورد وضعیت دعا، از جمله بلند کردن دست‌ها، وجود ندارد.

ما این را در اول پادشاهان ۸ در مراسم وقف معبد داریم، و اشعیا دوباره آن را اینجا مطرح می‌کند. و وقتی او در مورد دراز کردن دست‌ها صحبت می‌کند، به معنای واقعی کلمه، منظور کف دست‌ها رو به بالا به سمت خداست. خدا تحت تأثیر تقوای ظاهری صرف قرار نمی‌گیرد، بلکه دوباره خواهان صداقت اخلاقی درونی است.

، و سپس او روی دیگر سکه را روی دست‌ها می‌گذارد. در آیه ۱۵، دست‌های شما پر از خون است. و البته، او از این موضوع برای شیوه‌های ناعادلانه‌ای که با قوم خدا رفتار شده بود، استفاده می‌کند.

و او از آن برای شیوه‌های ناعادلانه‌ای که قوم خدا رفتار می‌کردند استفاده می‌کند. اما سپس از آن به عنوان گذار به نه دستور ضروری که مطرح می‌شوند استفاده می‌کند. ببینید، پولس کل کتاب رومیان خود را اینگونه تنظیم می‌کند.

آیات ۱ تا ۱۱ بسیار الهیاتی هستند. در مورد رستگاری، عادل شمردگی، جلال یافتن و گناه صحبت می‌کنند. در واقع فهرستی از آموزه‌های مسیحی است.

سپس او به ۴۰ دستور ضروری می‌پردازد. در رومیان فصل ۱۲، جایی که او از مباحث بسیار الهیاتی به مباحث اخلاقی، و به چگونگی زندگی کردن، می‌پردازد. و اشعیا نیز در اینجا به همین ترتیب عمل می‌کند.

و این چهار دستور اول، با توجه به شرایط اسرائیل، هشدارهایی هستند. همه آنها منفی هستند و همه آنها برای نشان دادن احساسات خدا نسبت به شر آمده‌اند. او می‌گوید، اول از همه، خود را بشوید.

یا خود را بشوید و پاک کنید. اینها احتمالاً چندان غسل‌های تشریفاتی نیستند، اما غسل‌هایی هستند که شاید یهودی‌ترین رساله در عهد جدید درباره آنها صحبت می‌کند. این احتمالاً توسط برادر ناتنی عیسی، یعقوب، نوشته شده است.

، و یعقوب در آیه ۴:۸ چه می‌گوید؟ به خدا نزدیک شوید و او نیز به شما نزدیک خواهد شد. ای گناهکاران، دست‌های خود را پاک کنید. ای دو دلان، دل‌های خود را پاک کنید.

بنابراین، وقتی یعقوب می‌گوید دست‌هایتان را تمیز کنید، از آن به عنوان استعاره استفاده می‌کند. اینجا ضمیر یونانی خنثی به معنی یک، hen است، دو تا برای یکی. به معنای واقعی کلمه Hendiadys

کلمه انگلیسی ما، جایی که شما دو کلمه را در زبان، Hendiadys، به معنی دو Deuce. به معنی از میان Dia اصلی برای رساندن یک ایده انتخاب می‌کنید.

ما آن را در یونس دیدیم، برخیز، به نینوا برو. ما آن را اینجا می‌بینیم. بشوی و پاک کن.

و بنابراین او در مورد اولین قدم پاکسازی در اول یوحنا ۱:۷ یا به طور دقیق‌تر، اول یوحنا ۱:۹ صحبت می‌کند. اگر به گناهان خود اعتراف کنید، او امین و عادل است تا گناهان شما را ببخشد و شما را از هرگونه ناراستی پاک کند. ما در اینجا در مورد پاکسازی معنوی درونی صحبت می‌کنیم.

و این زبانی است که کتاب مقدس از آن استفاده می‌کند. این زبان از پیامبران شروع می‌شود. سپس سومین دستور پس از شستن و پاک کردن، زدودن شر است.

واقعی، بازگشت واقعی و توبه روی (Teshuva) شر اعمال خود را از خود دور کنید. وقتی مردم به تشوا شامل یک عمل دوگانه، (teshuva) آورند، این منجر به رهایی از شر می‌شود. کلمه عبری برای توبه، تشوا است.

از نظر استعاره، به معنای روی گرداندن از گناه است. ۱۸۰ درجه بچرخ. جهت خود را معکوس کن.

برگرد. معنی «تیشو» «همین است. و بعد یعنی بعد از اینکه گناهت را ترک کردی یا از شرارتت برگشتی، یعنی با روحی در قلبت که می‌گویی، به اندازه کافی متأسفم که دست از کار بکشم، به خدای زنده روی بیاوری.

بنابراین، او دوباره مردم را به ترک شر نصیحت می‌کند. این ماهیت واقعی توبه است. ترک شر، از بین بردن اعمال یا کردارهای شر.

و سپس به پنج امر ضروری می‌رسد. این پنج امر همگی مثبت هستند. ابتدا به موارد منفی می‌پردازد.

اینها همان چیزهایی هستند که پیامبر به دنبال آنهاست تا پارسایی حقیقی را به نمایش بگذارند. اینها با زندگی درستکارانه سروکار دارند. مورد اول در آیه ۱۷ یافت می‌شود، جایی که او می‌گوید، نیکی کردن را بیاموزید.

متکلمان، روانشناسان و مددکاران اجتماعی، به ویژه در دنیای مسیحیت، در مورد اینکه انجام کار نیک تا چه حد ذاتی است یا تا چه حد انجام کار نیک خوب است، بحث کرده‌اند. و او می‌گوید، یاد بگیرید که کار نیک انجام دهید. تا چه حد باید آن را آموزش دهید؟ خب، من گمان می‌کنم در نهایت هر دو مورد است.

اگر به آگوستین، که بر شانه‌های پولس ایستاده است، و دیگران که از او پیروی کردند، باور داشته باشیم که گناه نخستین چیزی است که ما با آن متولد می‌شویم و باعث می‌شود که ما تمایل به انجام کار نیک نداشته باشیم. و اگر به رومیان ۸ ایمان داشته باشیم، که بارها و بارها از کلمه روح القدس استفاده می‌کند، جایی که پولس از نیاز روح برای مقابله با آن طبیعت گناه آلود قدیمی صحبت می‌کند. انسان سارکاکوس، انسان جسمانی، انسانی از روح القدس است.

پس می‌دانیم که برای غلبه بر مشکلات به کمک خدا نیاز داریم. بنابراین، برای یادگیری انجام کار نیک، خدا سرمایه نهایی است. معلم برای یادگیری انجام کار نیک. به همین دلیل است که در کتاب مقدس چیزی داریم که آن را اخلاق می‌نامیم.

اخلاق اساساً به معنای چگونگی زندگی و چگونگی هدایت روابط خود به شیوه‌ای مناسب و خداپسندانه در رابطه با هموعان است. بخشی از آموزش دانشگاهی ما یادگیری این است که چگونه قوم خدا زندگی خوب را درک کرده‌اند و کتاب مقدس در مورد معنای آن چه می‌آموزد، زیرا عیسی در انجیل‌هایی که معنای خوب بودن را زیر سوال می‌برند، مشارکت می‌کند. حال، به تعبیر پولس، پوشیدن لباس عدالت دیگری، به جای اینکه توانایی ارائه خود در برابر خدا را با حس خود از خوبی و عدالت داشته باشد، حرف‌های زیادی برای گفتن در مورد معنای انجام کار خوب دارد.

دومین الزام، جستجوی قضاوت یا عدالت و انصاف است. به زودی به این موضوع باز خواهیم گشت. البته، این موضوع به خوبی با تثلیث اخلاقی میکاه ۶.۸، یعنی عمل به عدالت، مطابقت دارد.

ترجیحاً به رفتارهای مهربانانه یا بخشنده با دیگران و سپس با فروتنی، تواضع و احتیاط در پیشگاه خدا قدم برداشتن ترجمه می‌شوند. سومین دستور او، ظلم صحیح است، به ویژه ظلم به فقرای آن جامعه، محرومان اقتصادی یا کسانی که در جامعه قدرتی نداشتند، بی‌قدرت‌ها. و در اینجا می‌بینیم که چگونه پیامبران بر شانه‌های موسی ایستاده‌اند.

موسی کسی است که در درجه اول درباره یتیمان، بیوه زنان و غریبان صحبت می‌کند. اینها افرادی هستند که تمایل به ظلم و ستم داشتند. و بنابراین، پیامبر درباره نگرانی اسرائیل در مورد ظلم و ستم صحبت می‌کند.

این مضمون، که امشب در عید فصح آمده‌ایم تا در این متن بر آن بنا کنیم، خروج صدها سال قبل از روزگار اشعیا بوده است، اما استبداد و ستم و نیاز به رهایی و نجات، معنای آن کلمه پشوا است که خدا هنگام خروج اسرائیل از مصر برای آنها به ارمغان می‌آورد. و بنابراین، این به یک مضمون غالب تبدیل می‌شود: آزادی. و البته، در آنچه امروز الهیات رهایی می‌نامیم، به تأکید اصلی تبدیل می‌شود.

وقتی خاخام‌ها درباره هفت فرمان واجب بر پسران نوح، یعنی برای غیریهودیان که باید طبق آنها زندگی کنند، صحبت می‌کردند، یکی از هفت قانون فرزندان نوح، تأسیس دادگاه‌های عدالت بود و به همین نکته خاص اشاره دارد. مورد بعدی، دفاع از یتیمان است. و اینجا، در آیه ۱۷، این ما را به یتیمان می‌رساند.

در یکی از کلمات عهد جدید یونانی، کلمات انگلیسی یتیم، یتیم، یتیم را از آن گرفته‌ایم. و یتیمان نمایانگر گروهی بسیار آسیب‌پذیر بودند.

خیلی هم عالی است، یکی از القاب جذاب، عباراتی که خدای اسرائیل در مزمور ۶۸، آیه ۵ با آن خطاب می‌شود، پدر یتیمان. و سپس در سطر بعدی برمی‌گردیم، حامی بیوه‌زنان. و بنابراین، در این دو دستور نهایی دستور چهارم و پنجم، چه می‌بینید؟ از یتیمان دفاع کنید و برای بیوه‌زنان دعا کنید.

بنابراین، خدای اسرائیل کیست؟ او پدر یتیمان و حامی بیوه‌زنان است. مفهوم ضمنی مزمور ۶۸، آیه ۵ همانطور که اسرائیل در سرودهایش از این عبارت استفاده می‌کند، یادآوری این نکته بود که در سطح روزمره، کسانی که به یتیمان و بیوه‌زنان ظلم می‌کردند، البته این کار را با خدای قادر مطلق می‌کردند. ارتباط مستقیمی بین هویت، شخصیت و ویژگی‌های خدای قادر مطلق، همانطور که در کتاب مقدس توصیف شده است، و قوم او که قرار است این نگرانی‌ها را نشان دهند، وجود دارد.

از آنجایی که او قدوس است، آنها نیز باید قدوس باشند. از آنجایی که او خدای عدالت است، آنها نیز باید عادل باشند. از آنجایی که او رحیم و مهربان است، قوم او نیز باید رحیم و مهربان باشند.

این درخواست برای بیوه زن، یکی از اولین موارد آزمایشی پس از تأسیس کلیسای مسیحی بود. به یاد دارید که هفت نفر برای خدمت به میز توزیع غذا برای بیوه زنان انتخاب شدند، زیرا در اینجا مشکلی بین هلنیست‌ها و عبرانیان، دو گروه از یهودیان در کلیسای اولیه، وجود داشت. و البته استیفان یکی از کسانی است که از بین این هفت نفر انتخاب شده است تا به یک نیاز بسیار کاربردی در این جامعه یهودی نوپا متشکل از چندین هزار نفر که در روز پنطیکاست متولد شده‌اند، رسیدگی کند.

و حالا آنها مجبور بودند با یک مشکل عملی واقعی روبرو شوند، و آن مربوط به بیوه‌ها بود. مسیحیت از راه رسید و نگفت، خب، حالا با بیوه‌ها چه کار کنیم؟ آنها از قبل سنتی داشتند که به مدت ۱۵۰۰ سال، ۱۴۰۰ سال از زمان موسی تا به امروز، وجود داشته است. بیوه قرار بود حقوق قانونی خود را به دست آورد، حقوقی که اغلب توسط شاکیان ثروتمند رد می‌شد.

در آن روزها، اگر زنی شوهرش را از دست می‌داد، به دلیل جهان مردسالارانه، اغلب منبع درآمدش را از دست می‌داد. گاهی اوقات اموال می‌توانست به رهن کسی گذاشته شود که به او بدهکار بود، و بیوه می‌توانست آن خانواده خاص، به ویژه شوهر، باشد که بدهی قابل توجهی داشت. و حتی گاهی اوقات کودکان برای پرداخت بدهی به بردگی فروخته می‌شدند.

و بنابراین، دادخواهی برای بیوه زن مفهوم مهمی است که باید درک شود زیرا مستقیماً در عهد جدید آمده است. و به نظر من، مسئولیت ظهور مسیحیت اولیه یهودی، نگرانی برای افراد آسیب‌پذیر از نظر اقتصادی، بسیار مهم است، ما می‌دانیم که این مفهوم از کجا آمده است. بنابراین، اولین کلیساها مجبور نبودند دور هم جمع شوند و سنتی از نگرانی را ابداع کنند.

از قبل آنجا بود. از قبل در عمل وجود داشت. و اولین کلیسا امتداد اسرائیل است، نه جایگزین اسرائیل.

و بنابراین، وقتی پولس می‌نویسد، به ویژه در رساله‌های شبانی خود، نگرانی برای بیوه زنان وجود دارد. این بخشی از سنت او بود. اکنون به آیه‌ای می‌رسیم که اغلب در آیه ۱۸ نقل می‌شود، که با توجه به این کیفرخواست و سپس فراخوان جبران خسارت، برای اصلاح، به این دعوت منجر می‌شود.

بیاید، بیاید با هم استدلال کنیم، خداوند می‌گوید. اگرچه گناهان شما مانند ارغوانی باشد، اگرچه مانند برف سفید باشد، اگرچه مانند قرمز سرخ باشد، اما مانند پشم خواهد بود. این دعوت خاصی که اینجا می‌بینیم، دعوتی است که با چهره‌های بسیار غنی پر شده است.

اگر تصویری که برجسته است، چیزی را که صدها سال بعد در عهد جدید در مورد قدرت بخشش خدا با عباراتی بسیار چشمگیر صحبت می‌کند، پیش‌بینی کند، این آیه است. به نظر من، روشی که تا حدودی با آن می‌توانیم آیه ۱۸ را باز کنیم، درک صنعت رو به زوال در جهان باستان است. کرم تولو که قبلاً کمی در مورد آن در یونس صحبت کردیم، اینجا وارد عمل می‌شود.

او می‌گوید، اگرچه گناهان شما مانند سرخی هستند، اما مانند دامنه‌های کوه هرمون که تاجی بر سر سرزمین است، خواهند بود. کوه هرمون حدود ۹۰۰ متر از بلندترین کوه در مسیر آپالچی، کوه واشنگتن، بلندتر است. من هفته اول ژوئیه در دره تاکرمین در کوه واشنگتن بودم و برف‌بازی کردم.

برف آن بالا، با اینکه ارتفاعش کمتر از ۷۰۰۰ فوت است. کوه هرمون تاجی بر سر این سرزمین است که می‌توانید اینجا ببینید، و کوه هرمون در مزامیر ذکر شده است. کوه هرمون احتمالاً کوهی بوده که عیسی در آنجا وسوسه شده است.

و اگرچه کاتولیک‌ها به شما خواهند گفت که احتمالاً کوه تابور است که مشرف به دره جزریل یا مگیدو است، اما در انجیل آمده است که این کوه بسیار مرتفع بوده است. و آن کلمه کوچک، بسیار مرتفع. ممکن است به این کوه اشاره داشته باشد که برف روی آن نشسته است.

و به آن کوه هرمون می‌گویند. هر ماه از سال فکر می‌کنم کمی بیشتر از ده سال پیش بود که هواشناسان شمارش برف را متوقف کردند، زمانی که عمق برف آنجا به بیش از ۵۰ متر رسید.

در بالا ۵۰ متر عمق. بنابراین آن رواناب شگفت‌انگیز در نهایت به اردن علیا تبدیل می‌شود.

رود اردن علیا همچنین توسط چشمه‌های بانپاس و همچنین چشمه‌های منطقه حفاظت‌شده طبیعی دن تغذیه می‌شود. و آن بخش شمالی زمین زمانی بود که سلوکیان منطقه را کنترل می‌کردند.

آنها می‌دانستند که در کجای اسرائیل برای پرستش طبیعت خود بهترین عملکرد را خواهند داشت. زیرا بخش شمالی زمین آب داشت و در تمام طول سال از آن رواناب برخوردار بود.

و بنابراین، زیبایی درختان و آن منطقه هنگامی که آب پایین می‌آید و در نهایت به دریای جلیل می‌ریزد. این می‌تواند با پرستش طبیعت، به ویژه خدای پان، سازگار باشد. و مسیری که، همانطور که قبلاً گفتم، به نبرد بزرگ در سال ۱۹۸ منجر شد.

حالا دو قرن بعد، در زمان عیسی، آنجا قیصریه فیلیپی بود. اما آن مکان که در بسیاری از نقشه‌های اسرائیل امروزی با نام بانپاس شناخته می‌شود و همان کلمه را حفظ کرده، جایی است که طبیعت با خدای پان پرستش می‌شد. و اینکه آب هرمون و کل این منطقه در جلیل علیا از آنجا سرچشمه می‌گیرد.

و بنابراین وقتی پیامبر اینجا می‌خواهد مقایسه‌ای انجام دهد، همیشه می‌تواند به کوه هرمون نگاه کند. چند سال پیش، در یکی از آن روزهایی که تمام ابرها و چیزهای دیگر در هوا محو شدند، ما اینجا بالای کوه تابور بودیم.

و با نگاه به کوه هرمون، انگار می‌توانستی دستت را دراز کنی و آن را لمس کنی. هوا خیلی صاف و زلال بود. صبح خیلی زود. و زیبایی برف، با اینکه ما بیش از ۴۰ مایل از اینجا فاصله داشتیم و به اینجا نگاه می‌کردیم.

با خودم گفتم، حالا می‌فهمی چطور اشعیا می‌توانست این مقایسه را انجام دهد. و با خودم گفتم، چه ارتباطی بین قلب هموطنانش که نیاز به پاکسازی داشت، وجود داشت؟ کلمه فنیقیه، البته همانطور که ما اینجا برای شهرهای صیدا و صور داریم، نام خود را از کلمه یونانی ققنوس گرفته است که به معنی بنفش است. و وقتی یونانیان مجبور شدند نامی برای سرزمین کنعان در امتداد ساحل پیدا کنند، آن را سرزمین بنفش نامیدند که به معنی بنفش است.

احتمالاً به دلیل مکان‌هایی مانند دور، نام دور در ساحل که باستان‌شناسان شواهد قابل توجهی از صنعت در حال زوال، به ویژه استفاده از صدف مورکس، که صید می‌شد، کشف کرده‌اند، در اینجا آمده است. این صدف به مقدار زیاد در امتداد ساحل فنیقی از صور و به سمت جنوب صید می‌شد. و از این رو، در متون باستانی، این عبارت را داریم، بنفش صوری.

بسیار مشهور است. یکی آبی تیره و دیگری قرمز درخشان. و وقتی آبی تیره و قرمز درخشان را کنار هم قرار می‌دهید، صنعت در حال مرگ لباس‌هایی با رنگ‌های نسبتاً چشمگیر ارائه می‌دهد.

از این رو، ایده بنفش بودن رنگ سلطنتی یا پذیرفته شدن در سلسله بنفش، عبارتی است که در دنیای باستان می‌یابیم. برخی از این لباس‌ها، و دسته‌ای از خمره‌های رنگرزی وجود دارد که پارچه را گاهی تا ده بار در آنها قرار می‌دادند تا به رنگ قرمز مایل به قرمز درآید. کلمه زرشکی همان کلمه تولاست که به صنعت رنگرزی نیز مربوط می‌شود، اما این یکی دوباره از کلمه کرم گرفته شده است.

به یاد داشته باشید که در کتاب یونس در مورد دو معنی صحبت کردیم، کلمه تولا در کتاب مقدس، به عنوان مرجع، اول از همه، به خود کرم، نوعی کرم انگلی که روی درختان زندگی می‌کرد، اشاره دارد که همانطور که در ادامه خواهیم دید، نوعی کرم انگلی بود. دوم، وقتی این کرم کوچک گرفته و در آب له می‌شد، رنگی ثابت تولید می‌کرد که کتاب مقدس، معمولاً به انگلیسی، آن را به کلمه زرشکی ترجمه می‌کند. از آنجایی که این ماده رنگی ثابتی دارد، نمی‌توان آن را ریشه‌کن کرد.

بنابراین، به دلیل کیفیت پاک‌نشدنی‌اش، این ماده ارگانیک، پرتفدارترین ماده برای صنعت رو به زوال بود قابل شستشو نبود. کاری که پیامبر در اینجا با این تشبیه انجام می‌دهد، ایجاد تضاد بین گناه است و من فکر می‌کنم در اینجا ارتباطی بین این گناهان و آلوده شدن دست‌های ما به خون وجود دارد.

اما با این حال، دعوت خدا به سوی بخشش است که از طریق او صورت می‌گیرد، که تضادی اساسی را از طریق بخشش او ایجاد می‌کند. بنابراین، اسرائیل یکی از قدرتمندترین ملت‌ها خواهد بود، درست مانند قلعه‌های پوشیده از برف حرمون، یا مانند گوسفندانی که قبل از چیدن پشم در رود اردن شسته می‌شوند. آنها مانند پشم خواهند بود.

من فکر می‌کنم این تصویر احتمالاً به همان اندازه در پیش‌بینی از طریق تصویر کلامی قدرتمند است، و به همین دلیل است که عبرانیان بخش زیادی از الهیات خود را از طریق قیاس آموزش می‌دادند. بیشتر الهیاتی که در کتاب مقدس عبری داریم، با زندگی روزمره مشابه است. خدا یک پدر است.

خدا چوپان است. گناه مانند کمانداری است که به هدف نمی‌زند. بسیاری از این موارد وجود دارد که خداوند از طریق تشبیهات برای بیان این حقایق جاودانه استفاده می‌کند.

دومین چیزی که امروز می‌خواهم در مورد آن صحبت کنم، این متن در فصل ۲ است که از پیروزی پادشاهی خدا برای ما سخن می‌گوید. ما قبلاً این متن را دیده‌ایم، و میکاه و اشعیا، ممکن است یکی از دیگری اقتباس کرده باشد، زیرا زبان بسیار نزدیک به هم است و نمی‌توان گفت که هر یک به تنهایی آن را ابداع کرده‌اند. بنابراین، یا یکی از دیگری اقتباس کرده یا هر دو به منبع مستقل دیگری برمی‌گردند که اکنون از بین رفته است.

اما آنها در اینجا آموزه‌ای را در مورد تحقق نهایی پادشاهی خدا منعکس می‌کنند. بنابراین، ما در اینجا مشابه میکاه ۴، ۱-۳ داریم. حال، چند نکته را می‌خواهم دوباره تأکید کنم.

این در روزهای آخر اتفاق خواهد افتاد. روزهای آخر چه زمانی آغاز شد؟ در عهد جدید آغاز شد. مرگ رستاخیز، عروج مسیح، روزهای آخر را آغاز کرد.

از کجا این را می‌دانیم؟ خب، تعدادی متن در عهد جدید وجود دارد. یکی از بهترین متونی که می‌توانید در این زمینه ارائه دهید تا نشان دهید که روزهای آخر از قبل آغاز شده‌اند، عبرانیان است، آیات آغازین. خداوند به طرق مختلف و متنوع، از طریق پیامبران، با پدران ما در مورد گذشته صحبت کرده است.

این چیزی است که ما در حال مطالعه آن هستیم. اما در این روزهای آخر، او از طریق پسرش با ما صحبت کرده است. بنابراین، عهد جدید اعلام می‌کند که روزهای آخر با آمدن مسیح آغاز شده است.

در این عبارت، روزهای آخر یا یوم هاهو و در آن روز، ما این فرمول نبوی را دیده‌ایم. اغلب پیش‌بینی می‌کند که عصر مسیح با آمدن اول مسیح آغاز شده و در آمدن دوم مسیح به اوج خود می‌رسد یا کامل می‌شود. ما در مورد این موضوع با مفهوم یوم یهوه یوئیل صحبت کردیم.

، بنابراین، این، به نوعی، یک دوره مسیحایی را معرفی می‌کند که نمونه‌ای از این فرمول است. در روزهای آخر کوه خانه خداوند، یعنی کوه صهیون، در اورشلیم، در اینجا به تصویر کشیده خواهد شد. کوه معبد به عنوان بلندترین کوه‌ها

برای درک این موضوع در بستر آن، باید دوباره چیزی در مورد زندگی خاور نزدیک باستان درک کنید که چگونه هر فرهنگ این باور را داشت که خدا و انسان در مکانی مرتفع، بر روی کوه، در نقطه‌ای مرتفع با هم ارتباط برقرار می‌کنند. خدا آن نوع طرز فکری را که از اوایل دوران باستان وجود داشت، نقض نکرد

در نتیجه، او می‌گوید، موسی، من ۶۱۳ تا برای تو دارم. ما با ۱۰ تا شروع می‌کنیم. آنها را روی دو لوح قرار می‌دهیم و از کوه بالا می‌آیم.

آنجا جایی است که شما آنها را دریافت خواهید کرد. عیسی آموزه‌های خود، موعظه بالای کوه، را در آن سنت انجام می‌دهد. کوه سافون جایی است که بعل و ال و عنات و کل پانتئون کنعان در آن ساکن هستند

تصور می‌شد که در شمال باشد. زئوس در کوه المپ در دنیای یونان زندگی می‌کرد. و زیگورات‌ها در دنیای بین‌النهرین

بنابراین، مردم باستان معتقد بودند که خدایانشان بر فراز کوهی بلند ساکن هستند. اما متن اینجا می‌گوید که این بلندترین کوه‌ها خواهد بود. بنابراین، چیزی نمادین در اینجا در جریان است

رئیس بلندترین کوه‌ها اشاره کرد که در نهایت، خدای اسرائیل و کسانی که به آموزه‌های خدای اسرائیل روی می‌آوردند، بر تمام مکاشفات یا مواجهه‌های احتمالی بین خدایان غلبه خواهند کرد. و این کوه از هر کوه دیگری بلندتر خواهد بود. راهی برای تأکید بر اینکه روزی دین اسرائیل، دین و خدای او، خدا خواهد بود

بنابراین، این کوه، گویی از هر تپه دیگری بلندتر خواهد شد. و اورشلیم به عنوان مرکز جغرافیایی تحقق این امر، در اینجا پیروزی پادشاهی خدا را نشان می‌دهد. ما می‌دانیم که زبان اینجا ما را به عصر مسیحایی می‌برد. زیرا می‌گوید همه ملت‌ها به سوی این کوه سرازیر خواهند شد و بسیاری از مردم خواهند آمد

این احتمالاً پیشگویی تغییر دین ملت‌ها، تغییر دین غیریهودیان در روزهای آخر از پنطیکاست به بعد است. و در مورد جاری شدن صحبت می‌کند، کلمه جاری شدن به این کوه. این کلمه‌ای است که معمولاً در دنیای باستان برای رودخانه‌ها استفاده می‌شد

بنابراین، ما جریانی از مردم را داریم که به دلایل معنوی می‌آیند. خانه خدای یعقوب، خانه خدای یعقوب. این در تورات جایی بود که نام او در آن ساکن می‌شد

این معبد خداست که نمایانگر حضور اوست. حضور او، همانطور که به طور نمادین بر فراز کرویون بر تخت سلطنت نشسته بود. و بنابراین، در این متن نوعی خدامحوری وجود دارد

بیاید بالا برویم، آیه سوم. همان فعلی که کتاب مقدس عبری با آن تمام می‌شود. این عبارت کوتاه به اسم منتهی می‌شود که به معنای بالا رفتن است، یعنی وقتی به اسرائیل مهاجرت می‌کنید، بالا می‌روید *aliyah*

از نظر معنوی، وقتی به صهیون سفر می‌کنید، به آنجا می‌روید. بنابراین، همه این مردم، به اصطلاح، به چه دلیلی به سوی خدای یعقوب می‌آیند؟ برای تعلیم معنوی که او راه خود را برای کشف اراده خدا به ما بیاموزد. و بنابراین، ما داریم تا در مسیرهای او گام برداریم.

به همین دلیل است که فکر می‌کنم مسیحیان به عهد عتیق نیاز دارند. می‌توانم دلایل زیادی برای شما بیاورم، اما این یک دلیل اساسی است. این کتاب شرح چگونگی درک ما از ایمانمان است.

خب، عقاید و اصول اخلاقی و نظام‌های اعتقادی. و بیانیه‌ها و اصول عقاید در گرد هم آوردن مردم و شناخت باورهایشان و اعتراف به باورهایشان مهم هستند. اما عهد عتیق این چیز را به عنوان یک سفر ایمانی توصیف می‌کند.

به عنوان یک گام ایمانی، و ما به آموزه‌های خدا، فرامین او نیاز داریم تا ما را در مسیر زندگی نگه دارد، تا ما را از بن‌بست‌ها و گودال‌ها دور نگه دارد. و بنابراین، تورات آدونای، آموزه یا راهنمایی یا هدایت خداوند، باید به قوم او داده می‌شد تا آنها را در راه‌های او تعلیم دهد.

بنابراین، این تصویر یک پیاده‌روی است. ما در یک سفر هستیم. و من فکر می‌کنم ملت‌ها، ملت‌های زمین که تحت فرمانروایی او قرار می‌گیرند و به دنبال اراده او هستند، تحت این تصویر قرار می‌گیرند.

تا بتوانند در راه‌های او گام بردارند، و بنابراین، همانطور که مزمور ۱۱۸ می‌گوید، یکی از آنها در مورد راه رفتن صحبت می‌کند. بنابراین، نوح با خدا راه رفتن.

بنابراین، خنوخ با خدا راه می‌رفت. بنابراین، ابراهیم در سفر ایمان بود. بنابراین، وقتی به آموزه‌های عیسی در انجیل‌ها می‌رسیم، او از این موضوع بهره می‌برد.

دو راه وجود دارد. یک راه باریک که به حیات منتهی می‌شود، یک راه پهن که به هلاکت منتهی می‌شود. شما این را در کتاب اعمال رسولان، یعنی هوداس، می‌بینید.

و کلیسای اولیه، عیسی را که راه، حقیقت و حیات است، شناخت. و آن اجتماع ایمانی، راهی بود که مردم تحت تعلیم او قرار می‌گرفتند. و بنابراین، همانطور که در رساله‌ها آمده است، پولس با دانستن این متن عبری می‌گوید، مانند فرزندان نور رفتار کنید.

حالا، شاید پولس دارد خنجرش را کمی به جامعه‌ی اسنی‌ها فرو می‌کند. چون آنها فرزندان نور و فرزندان تاریکی بودند، و او دارد می‌گوید، شما می‌خواهید یکی از آدم‌های خوب باشید.

مانند فرزندان نور رفتار کنید. اما تصویر راه رفتن با خداوند در اینجا تصویر بسیار مهمی است. و غیریهودیان نیز در این ایده دخیل هستند.

من قبلاً این را گفته‌ام، و تا حدودی در کتاب «پدر ما ابراهیم» به این موضوع پرداخته‌ام. فکر می‌کنم یکی از راه‌هایی که کلیسا به اشتباه رفت، زمانی بود که بیش از حد دگم‌اندیش شد و بیش از حد بر یک سیستم اعتقادی تمرکز کرد، به جای اینکه در مورد زندگی و روشی که خدا می‌خواهد قومش در رابطه با دیگران زندگی کنند، بیاموزد. ما به آنجا می‌رویم تا در مورد روشی که خدا می‌خواهد ما راه‌های او را یاد بگیریم، بیاموزیم تا بتوانیم در مسیرهای او قدم برداریم.

زیرا از صهیون، شریعت و از اورشلیم، کلام خداوند صادر می‌شود. حال، پایان همه اینها، اوج آن، صلحی پایدار و همیشگی است. بنابراین، فکر می‌کنم زبان اینجا آشکارا ما را به پایان عصر کلیسا، به پایان عصر مسیحایی، به زمان ظهور مجدد مسیح می‌برد، جایی که اوج پادشاهی خدا را داریم.

جایی که خود خداوند حکومت عادلانه خود را بر این زمین بدون هیچ نزاع بین‌المللی تحمیل خواهد کرد و همه کشورها در صلح زندگی خواهند کرد. آن نکته کوچک اضافی را که میکاه مطرح می‌کند، به خاطر داشته باشید.

هر کس زیر تاک و انجیر خود زندگی خواهد کرد و هیچ کس او را نخواهد ترساند. این ایده‌ای است که شما می‌توانید در خارج از شهرهای محصور خود زندگی کنید و امنیت بر اساس اینکه چه کسی بهترین سیستم دفاعی را دارد، نخواهد بود. چه کسی می‌تواند در شهرهای قلعه‌ای دوران کتاب مقدس زندگی کند و تضمین شود که زنده خواهد ماند.

نه. تمام این ماجرا با مداخله الهی اتفاق می‌افتد. این پادشاهی، جامعه‌ای بدون جنگ خواهد بود که در آن حتی هنر جنگ نظامی نیز از بین خواهد رفت.

نه یک صلح مسلحانه، بلکه یک صلح واقعی الهی. وقتی ابزار جنگ به ابزار کشاورزی تبدیل شود، ملت دیگر جنگ را نخواهد آموخت.

بنابراین، ما شاهد سینکدوکه‌ای هستیم که قبلاً در مورد آن صحبت کردیم. جایی که یک سخنرانی مجازی، که در آن جزء برای یک کل یا یک کل برای یک جزء استفاده می‌شود. بنابراین، کنار گذاشتن دو سلاح شمشیر و نیزه، به خلع سلاح کامل اشاره دارد.

جایگزین این تصویر به طرز زیبایی به معنای صلح کامل است، زیرا در مورد گاوآهن صحبت می‌کند، که نوک‌های فلزی کوچکی بودند که برای شخم زدن زمین استفاده می‌شدند. بنابراین، به نوع متفاوتی از زندگی اشاره دارد. بنابراین، به طور خلاصه، در اینجا یک صلح بیرونی، صلحی با خلع سلاح کامل و بدون ترس، یک صلح دائمی وجود دارد.

صلح ساخته دست بشر شکننده است و همیشه، در برهه‌ای، شکسته می‌شود. در اینجا، ما صلحی پایدار داریم زیرا توسط شاهزاده صلح برقرار شده است. او در میان ملت‌ها داوری خواهد کرد.

پادشاهی او تمام جهان را در بر خواهد گرفت و بر پایه عدالت، معنویت حقیقی بنا خواهد شد. این اساس آن صلح خواهد بود. بار دیگر وحی الهی بر آن حاکم خواهد شد.

بنابراین، حفظ صلح یک امر مهم برای دنبال کردن است. متی ۵:۹، خوشا به حال صلح‌آوران. این یک حرفه خوب است.

حداقل می‌دانید که کار ثابتی خواهید داشت. اگر اهل صلح باشید، تا زمانی که همه با هم به توافق نرسند و متوجه نشوند که صلح نهایی با میانجیگری الهی حاصل می‌شود، نه صرفاً ریسک‌پذیری، مجبور به دریافت بیمه بیکاری نخواهید بود و مهارت‌های مذاکره را یاد بگیرید، مجبور نخواهید بود از مزایای بیکاری بهره‌مند شوید.

این چیزها مهم هستند، اما ما اینجا در مورد روش نهایی که خدا این را تعریف می‌کند صحبت می‌کنیم. او نقش زیادی در این امر دارد. بنابراین، بگذارید دوره‌های علوم سیاسی بیابند.

بگذارید صلح‌جویان مستقر شوند. اما آنها ما را فقط به نقطه‌ای می‌رسانند که در نهایت جنبه معنوی یا مذهبی این موضوع وارد معادله شود. بسیار خوب، برای امروز همین خواهد بود.

این دکتر مارو ویلسون در حال تدریس در مورد انبیا است. این جلسه ۲۸، گزیده‌ای از اشعیا، بخش ۳ است.